

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۰۶ می ۲۰۱۲

ایران در هفته ای که گذشت

مجلس و دولت مصوبات یک دیگر را بی اعتبار اعلام می کنند

در حالی که آخرین روزهای هشتمین دوره مجلس ارتجاع اسلامی سپری می شود، احمدی نژاد پس از آن که رقبای خود را بر سر انتصاب مرتضوی در سازمان تأمین اجتماعی به عقب نشینی وادار کرد، در این هفته با صدور بخشنامه ای به دستگاه های قوه اجرائی اعلام کرد که تصمیم رئیس مجلس مبنی بر لغو برخی مصوبات دولت، فاقد اعتبار است و از اجرای آن خودداری شود.

در این بخشنامه آمده است: "رئیس مجلس ضمن مکاتبه با دستگاه های اجرائی برخی مصوبات دولت و مراجع و مقامات دولتی را مغایر تشخیص داده و لغو می نماید. علاوه بر ایرادات متعدد به این رویه، هیچ یک از اصول قانون اساسی چنین اختیاری را به رئیس مجلس نداده است. بنابراین مکاتبات مذکور فاقد وجاهت حقوقی است و نمی تواند منطبق عمل باشد."

این اقدام احمدی نژاد، واکنش مجلسیان را در پی داشت و جنگ لفظی طرفین مجدداً بالا گرفت. باهنر، نایب رئیس مجلس اعلام کرد: "تشخیص قانونی بودن یا نبودن تصمیمات رئیس مجلس بر عهده رئیس جمهور نیست. او باید مصوبات مجلس را اجراء کند. بخشنامه جدید او اعتبار قانونی ندارد. لذا دستگاه های دولتی مکلف به اجرای این بخشنامه نیستند، چون دولت نمی تواند خلاف قانون، بخشنامه صادر کند."

رئیس مجلس نیز اقدام احمدی نژاد را سر و صدای بی مورد نامید که پیامد آن، تشویش اذهان خواهد بود و افزود: این وظیفه مجلس است که اگر مصوبات دولت با قوانین زاویه داشت و دارای اشکال بود آن ها را بی اثر و فاقد اعتبار اعلام نمایند. طرح مواردی از این قبیل در جامعه به جز تشویش اذهان چه پیامدی دارد؟ وی همچنین گفت: مشکل در تفسیر قانون نیست، مشکل در اجراست، برخی بخش ها می خواهند قانون را دور بزنند.

یکی دیگر از نمایندگان مجلس گفت: احمدی نژاد به حاشیه سازی علاقه مند است و می خواهد از این طریق ناتوانی دولت در حل مشکلات مردم، مانند بیکاری، گرانی و تورم را با حاشیه سازی بپوشاند. ایشان کم آورده اند.

جدال لفظی طرفین ادامه دارد. هرج و مرج به درجه‌ای رسیده است که رئیس قوه اجرائی بخشنامه صادر می‌کند و به سازمان‌ها و مقامات این ارگان دستور می‌دهد که از اجرای مصوبات قوه مقننه سر باز زنند و آن‌ها را فاقد اعتبار اعلام می‌کند. رئیس قوه مقننه نیز بخشنامه رئیس دستگاه اجرائی را فاقد وجهه قانونی و بی اعتبار می‌داند و صدور آن را باعث تشویش اذهان عمومی. با این هرج و مرج و از هم گسیختگی درونی دستگاه دولتی که نمونه آن را در هیچیک از کشورهای جهان نمی‌توان پیدا کرد، سازمان‌های درونی دستگاه اجرائی نیز مانده‌اند که بالاخره باید از نظر مجلس تبعیت کنند یا رئیس جمهوری اسلامی.

جمهوری اسلامی در طول تمام دوران موجودیت خود، همواره با اختلاف و کشمکش درونی جناح‌های هیأت حاکمه، نزاع ارگان‌های دولتی و تصفیه‌های مداوم، درگیر بوده است، اما هیچ‌گاه همانند دو، سه سال اخیر در چنان هرج و مرج و از هم گسیختگی فرو نرفته بود که ارگان‌های اصلی دو دستگاه دولتی، آشکارا تصمیمات یک دیگر را ملغا و بی اعتبار اعلام کنند. در عین حال هیچ ارگان و مقام دولتی در موقعیتی نیست که بتواند بر این از هم گسیختگی غلبه کند و به هرج و مرج درونی پایان بخشد.

خامنه‌ای که بالاترین مقام دولتی است، به ویژه پس از اعتراضات گسترده سال ۸۸، هر گونه اتوریته‌ای را حتا برای به تبعیت واداشتن بی چون و چرای ارگان‌ها و مقامات تحت امر خود از دست داد. از همین روست که احمدی‌نژاد که نقش نوکر گوش به فرمان او را بر عهده داشت، او هم گردن‌کشی را آغاز کرد و بر سر عزل و نصب وزیر اطلاعات به مقابله و رو در روئی با خامنه‌ای برخاست. گرچه بر سر این مسأله عقب‌نشینی کرد، اما خامنه‌ای دیگر در موقعیتی نبود که بتواند او را مهار کند. اختلافات احمدی‌نژاد با ارگان‌های مقننه و قضائی جمهوری اسلامی مدام افزایش یافت، بدون این که خامنه‌ای بتواند نقشی برای فروکش این اختلافات ایفاء کند.

در درون مجلس نیز اوضاع بر همین منوال پیش رفت. گرچه باندهای درون مجلس همه خود را تابع ولی فقیه و اوامر او اعلام کرده‌اند، اما در عمل خلاف نصایح و اوامر وی، سیاست خود را پیش برده‌اند.

تحت یک چنین شرایطی که اتوریته بالاترین مقام رژیم استبدادی در هم شکسته شده است، روشن است که دیگر هیچ مقام و ارگانی قادر نخواهد بود بر از هم گسیختگی درونی رژیم غلبه کند. اصولاً انسجام درونی یک رژیم استبدادی فردی، وابسته به اقتدار و اتوریته شخص دیکتاتور است که در بالاترین هرم دستگاه استبدادی قرار گرفته است. وقتی که این اتوریته و اقتدار در هم می‌شکند، نظام استبدادی با از هم گسیختگی روبرو می‌گردد. دیگر، ارگان‌هایی که تاکنون هماهنگی‌شان از طریق تبعیت و دستورات دیکتاتور رأس هرم دولتی انجام می‌گرفت، هر یک به نحوی خودمختار می‌شوند و می‌کوشند قدرت خود را افزایش دهند و ارگان‌های دیگر را تابع خود سازند. از هم گسیختگی درونی دستگاه دولتی مدام افزایش می‌یابد و شرایط برای سرنگونی آن فراهم می‌گردد.

علت اصلی تمام این فعل و انفعالات سیاسی درونی دولت استبدادی، در هم شکسته شدن اتوریته دیکتاتور رأس نظام استبدادی، نزاع‌های درونی باندهای رژیم و از میان رفتن انسجام و هماهنگی دستگاه دولتی، در تضادهای لاینحل نظم اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود، بحران‌های عمیق و نارضایتی گسترده توده مردم از وضع موجود، قرار دارد.

این است دلیل این که چرا جمهوری اسلامی نمی‌تواند بر تضادها و بحران درونی خود غلبه کند و تمام تلاش‌های هیأت حاکمه نه فقط بحران را حل نکرده، بلکه به شکست انجامیده و این بحران را عمیق‌تر کرده است. مقابله دو ارگان اصلی دستگاه دولتی، قوه مجریه و مقننه رژیم به وضوح این حقیقت را نشان می‌دهد. آن‌ها نمی‌توانند یک دیگر را به تبعیت وادارند. کاری که می‌کنند، این است که هر یک دیگری را بی اعتبار می‌سازد. مجلس اعتباری

برای قوه اجرائی قائل نیست. آن را قانون شکن و ناتوان می‌نامد. دستگاه اجرائی هم مصوبات مجلس را بی اعتبار اعلام می‌کند. از خامنه‌ای هم کاری ساخته نیست. در ظاهر، خامنه‌ای و مجلس می‌توانند رئیس دستگاه اجرائی را استیضاح و برکنار کنند، در واقعیت اما، به علت همان بحران‌هایی که رژیم در آن گرفتار است، قادر به برکناری احمدی‌نژاد نیستند. او هم که می‌داند شرایط به گونه‌ای نیست که خامنه‌ای یا مجلس بتوانند او را برکنار کنند، سیاست خود را بی توجه به نظر و تصمیمات ارگان‌های دیگر پیش می‌برد. نه مجلس هشتم که دیگر چیزی به پایان آن نمانده است و نه مجلس نهم، در موقعیتی نیستند که بتوانند احمدی‌نژاد را به تبعیت از تصمیمات خود وادارند. لذا بر از هم گسیختگی درونی دستگاه دولتی مدام افزوده خواهد شد و اوضاع بر همین منوال ادامه خواهد یافت، تا وقتی که کارگران و زحمتکشان برای حل بحران‌های جامعه به نبردی قطعی برخیزند و ابتکار عمل را در دست خود بگیرند. جمهوری اسلامی هیچ راهی برای نجات از این بحران ندارد.

پرونده جدیدی از فساد مالی با ۱۰۰ میلیون یورو و ۲۰ میلیون دلار:

جمهوری اسلامی سر تا پا غرق در فساد است. هنوز ماجرای اختلاس و فساد مالی ۳ هزار میلیارد تومانی که تعدادی از مقامات دولتی در مجلس در زد و بند با سرمایه‌داران در آن نقش داشته‌اند، پایان نیافته، که در این هفته، خبر از یک سوء استفاده مالی و دزدی کلان چندین تریلیون تومانی دیگر انتشار یافت.

مشاور رئیس سازمان بازرسی کل کشور اعلام کرد که یک سوء استفاده مالی کلان دیگر از طریق واگذاری تسهیلات ۱۰۰ میلیون یورو و ۲۰ میلیون دلار، بدون رعایت ضوابط به یک شرکت خصوصی کشف شده است.

این چگونه شرکت خصوصی و با کدام پشتوانه و زد و بند دولتی است که توانسته است مبلغی به بزرگی ۱۰۰ میلیون یورو و ۲۰ میلیون دلار یعنی رقمی معادل ۳۰۰ تریلیون تومان، به عنوان تسهیلات از بانک‌ها دریافت کند و این مبلغ کلان به کجا رفته است؟

مشاور رئیس سازمان بازرسی می‌گوید: مسئولان وقت بانک ملی در پرداخت تسهیلات ۱۰۰ میلیون یورویی به یک شرکت خصوصی مرتکب تخلفات متعددی شده‌اند. سیستم بانکی ۱۰۰ میلیون یورو برای اجرای پروژه مخابراتی در خارج کشور به شرکتی پرداخت کرده که اساساً این شرکت نه سابقه کار مخابراتی داشته و نه بر اساس اساسنامه مجاز به فعالیت در رشته مخابرات بوده است. در جریان پرداخت ۱۰۰ میلیون یورو و ۲۰ میلیون دلار به این شرکت هیچ کالای ساخت ایران و صدور خدماتی اتفاق نیفتاده، در حالی که بخشی از تجهیزات خریداری شده برای پروژه مخابراتی موضوع وام اسرائیلی بوده است. ده‌ها میلیون دلار و یورو تسهیلات توسط بانک‌های دیگر از جمله بانک سپه، به همین شرکت برای اجرای چند پروژه در کشورهای دیگر داده شده که پرونده آن نیز در حال بررسی است.

مشاور رئیس سازمان بازرسی نه نام این شرکت را ذکر می‌کند و نه کشوری که قرار بوده است این پروژه مخابراتی در آنجا به مرحله اجراء درآید. او همچنین نمی‌گوید که به دستور کدام مقامات دولتی این پول کلان به این شرکت مجهول‌الهویه پرداخت شده است. فقط اشاره می‌کند که منابع بانکی که باید صرف تقویت تولید گردد، با اشاره عده‌ای خاص، راهی خارج از کشور شده است.

وی اضافه کرد: شرکتی که میلیاردها تومان بدهی ارزی خود به بانک‌های سپه، توسعه صادرات تهران، اقتصاد نوین بندر عباس و مسکن تبریز را با وجود تمدید مکرر سررسیدها پرداخت نکرده و بعضاً معوق شده، چگونه این همه تسهیلات دیگر را دریافت می‌نمود و چطور می‌خواهد آن را پرداخت کند.

او افزود: متولیان پرداخت تسهیلات و کسانی که امروز برای رفع توقیف از آن و حل مشکل متهمان خود را به آب و آتش می‌زنند، پاسخ دهند این حجم منابع کشور را با چه هدفی خارج می‌کردند.

مشاور سازمان بازرسی کل کشور در پایان گفت: در جریان این پرونده علیه ۱۵ نفر اعلام جرم و به دادگاه معرفی شده‌اند و در صورت اثبات اتهامات جدید، به سوابق قبلی اضافه و در دادگاه محاکمه خواهند شد. اما عجلتاً متهمینی که در داخل حضور داشته به دادگاه احضار و با قرار وثیقه آزاد شده‌اند.

البته بعید نیست که وقتی سر و صدای پرونده خوابید، حتی متهمین تیرئه هم بشوند. رئیس سازمان بازرسی کل کشور نیز که روز چهارشنبه این هفته پیرامون مسأله اظهار نظر می‌کرد، گفت: "کسی که صد میلیون یورو با زد و بند به دست آورد، بلد است با یک وکیل حرفه‌ای خودش را از دست قانون نجات دهد."

رئیس سازمان بازرسی کل کشور نمی‌خواهد و نمی‌تواند بگوید که جمهوری اسلامی محبوب او، سر تا پا فاسد است و همان‌هایی که در زد و بند برای پرداخت ۱۰۰ میلیون یورو دست داشته‌اند، حامی، پشتیبان و شریک سرمایه‌داران دزدان و متهمان را تیرئه خواهند کرد، لذا تیرئه را با وکیل حرفه‌ای مرتبط می‌سازد.

اما برای مردم ایران حقیقت پوشیده نیست. کارگران و زحمتکشان می‌دانند که جمهوری اسلامی پاسدار نظم سرمایه‌داری و منافع سرمایه‌داران است. دولت و سرمایه‌داران در غارت و چپاول دست‌شان در دست یکدیگر است. به مردم زحمتکش یک میلیون تومان هم وام نمی‌دهند و اگر اندکی هم بازپرداخت آن وام ناچیز به تأخیر افتد، دستگیری و زندان در کار است، اما سرمایه‌داران از اعتبارات ۲۰۰ تا ۳۰۰ تریلیون تومانی برخوردار می‌شوند و اگر آن را بازپرداخت هم نکنند، به زندان نمی‌روند، به قید وثیقه آزاد می‌شوند و سرانجام حکم تیرئه آن‌ها نیز صادر می‌شود.

هر سال درآمد دولت از نفت مبلغی متجاوز از ۱۰۰ میلیارد دلار است. بخش بزرگی از این درآمد هنگفت به جیب سرمایه‌داران و مقامات دولتی می‌رود. همین نمونه پرونده صد میلیون یوروی و ۲۰ میلیون دلاری جدید و ۳ هزار میلیاردی پرونده شرکت آریا نشان می‌دهد که چگونه این درآمد هنگفت به جیب زده می‌شود. مقامات دولتی که در پشت اعطای این تسهیلات بانکی قرار دارند، یا خودشان شریک این سرمایه‌داران‌اند و یا رشوه‌های کلان در ازای آن دریافت می‌کنند. دیدیم که چگونه در جریان پرونده شرکت آریا، هم مقامات وزارتخانه‌های دولتی دست دارند و هم نمایندگان مجلس. پرونده جدیدی هم از نمونه پرونده اختلاس مالی بزرگ است، اما در ابعادی بسیار بزرگ‌تر. اگر در آن پرونده صحبت از ۳ هزار میلیارد تومان بود، در پرونده جدید صحبت از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان است. نباید فراموش کرد که این‌ها، فقط دو نمونه افشا شده است. قطعاً هزاران نمونه افشاء نشده از دزدی‌ها و سوء استفاده‌های بزرگ مالی در جمهوری اسلامی وجود دارد. اگر گاهگاهی برخی از این فساد افشاء می‌گردد، در نتیجه کشمکش‌ها و اختلافات درونی باندهای جمهوری اسلامی است. گفته می‌شود که در این پرونده جدید نیز اطرافیان احمدی‌نژاد دست دارند. رئیس سازمان بازرسی کل کشور که در باند اکثریت مجلس قرار دارد، برای ضربه زدن به احمدی‌نژاد، این موارد را برملا کرده است. در واقعیت اما این فقط دار و دسته احمدی‌نژاد و سرمایه‌داران وابسته به باند او نیستند که در این دزدی، چپاول و غارت‌گری دست دارند، تمام باندهای درون حکومت اسلامی در این فساد غوطه‌ورند.

فساد مالی ذاتی هر رژیم استبدادی است. در جایی که مردم هیچ نقشی در اداره امور کشور ندارند، هیچ نظارت و کنترولی از جانب توده مردم اعمال نمی‌شود، و فراتر از آن حتی آزادی بیان و مطبوعات از مردم سلب شده است،

تمام دستگاه دولتی و مقامات و کارگزاران آن به انواع فساد آلوده‌اند. جمهوری اسلامی نمونه کاملی از یک چنین دستگاه دولتی فاسد است.